خبر

آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی:

روابط ایران و روسیه شکننده شده است

■ سایت ایراس وابسته به موسسه مطالعات ایران و اوراسیا در گفت‌وگویی با آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی به بررسی فرازو فرودهای رابطه جمهوری اسلامی و روسیه پرداخته است. این سایت بخش نخست گفت‌وگوی اختصاصی‌اش با رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام را منتشر کرده است.

هاشمی‌رفسنجانی در بخشی از این گفت‌وگو گفت: از زمان مسوولیت بنده به‌عنوان رییس مجلس شورای اسلامی و در زمان بعد از دفاع مقدس که روابط را با روسیه فعال کردیم، تا به حال به‌طور نسبی از رفتار روسیه راضی هستیم. در زمان آقای گورباچف، سفری به روسیه کردم و مذاکرات خیلی طولانی و وسیع داشتیم و در بسیاری زمینه‌ها تفاهم‌نامه‌هایی بین ما منعقد شد که بعضی از آنها تاکنون نیز در حال اجراست که از جمله آنها نیروگاه بوشهر است. البته از طرفی هم روس‌ها تحت فشار آمریکا هستند و منافعی در روابط با آمریکا دارند. گاهی فشار آمریکا حرکت روسیه را کند می‌کند.

رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام افزود: مقامات کرملین به‌نظر می‌رسد به این نتیجه رسیدند که بیش از این ضرورتی ندارد که «ترمز» روابط با ایران را همچنان حفظ کنند و احتمالا همین مساله، عاملی برای بهبود روابط تهران-مسکو بوده است. وی افزود: به نظر من این یک واقعیت است، که هم طرف روس و هم طرف ایرانی به آینده روابط امیدوار شده و در این مسیر گام برداشته‌اند. موضوعات جدیدی برای رایزنی و گفت‌وگو بین دو کشور وجود دارد که از این جمله می‌توان به موضوع سوریه و فشارهای داخلی و خارجی بر این کشور اشاره کرد. این روندها نشان می‌دهد که باید تحولی در روابط تهران- مسکو شروع شود و این تحولات صرفا به حرف و اندیشه محدود نشود. اقدام بعدی، طرح جدید روسیه برای حل موضوع هسته‌ای ایران موسوم به طرح گام‌به‌گام است. مواضع مقامات کرملین از جمله آقای لاوروف در دیدار با آقای صالحی نشان دهنده این است که طرف روس از موضع ابتکار و با نگاهی مثبت می‌خواهد وارد موضوع هسته‌ای ایران شود و در واقع برآن است تا قدمی عملی برای حل این موضوع بردارد. البته روسیه هم مثل غرب نگران قدرت‌یافتن ایران در جهت دسترسی به سلاح هسته‌ای در صورت ضرورت است. از

نگاه طرف روس‌ها، هم در غرب و هم در طرف ایرانی، تمایلی برای حل این مساله مشاهده شده است. همان‌طور که اشاره کردم، تحول در روابط ایران و روسیه در حوزه اقتصادی و دیپلماتیک قابل لمس است و طرح خیلی مهم گام‌به‌گام نیز ارایه شده و در جریان است. البته در برخی مواقع روس‌ها به تعهدات خود عمل نکرده و مشکلاتی را برایمان ایجاد و اعتمادمان را ضعیف کرده‌اند. وی افزود: واقعیت این است که روابط روسیه و آمریکا بر روابط مسکو با تهران تاثیر دارد، کما اینکه بسیاری از جوانب روابط ایران و روسیه به دلیل مولفه‌ای به نام آمریکا با تغییراتی مواجه شده که از این جمله می‌توان به مخالفت هر دو کشور با نظام تک‌قطبی بین‌المللی و مخالفت واشنگتن با دست‌یابی ایران به فناوری‌های پیشرفته اشاره کرد.

تحت این شرایط، باید پذیرفت که روسیه نمی‌تواند بازی مستقلی در موضوع پرونده هسته‌ای ایران داشته باشد، چرا که این موضوع یک «پکیج» است و نهادها و کشورهای درگیر در این پرونده، چه در شورای امنیت سازمان ملل و چه در سازمان بین‌المللی انرژی اتمی، استقلال عمل روسیه را برنمی‌تابند. هاشمی تاکید کرد: به هر حال، بازی روسیه در پرونده هسته‌ای ایران مستقل نیست، اما این به این معنا نیست که این کشور توان ابتکار عمل در این موضوع را نداشته باشد و به این معنا نیز نیست که این بازی بخشی از بازی غرب است و روسیه دنباله‌روی بازی غربی‌هاست.

هاشمی ادامه داد: رویدادهای اخیر نشان داد که روابط ایران و روسیه آن‌گونه که تصور می‌شد از استحکام کافی برخوردار نیست و در شرایط شکننده‌ای قرار دارد. اگرچه تحلیلگران و افکار عمومی داخلی ماهیت دوگانه سیاست خارجی روسیه را مهم‌ترین دلیل این شکنندگی می‌دانند، اما پیش از آنکه بخواهیم روس‌ها را متهم به هر صفت یا رفتاری بکنیم، باید دید که نوع نگرش و سیاست‌های ایران نسبت به همسایه شمالی خود تا چه اندازه مبتنی بر واقعیت‌ها و فضای ذهنی خودساخته بوده است. پرسش این است که آیا باید وضعیت فعلی در روابط دوکشور را تماما محصول سیاست خارجی مزورانه روس‌ها دانست یا اینکه برداشت‌های نادرست و غیرواقع‌بینانه ما از سیاست جهانی در دوره پس از جنگ سرد نیز در شکل‌گیری این وضعیت موثر بوده است؟ شواهد حاکی از آن است که فارغ از ماهیت چندگانه سیاست خارجی روسیه، شاید نوع رویکرد ایران به روابط با این کشور نیز با مشکل مواجه بوده است.

وی تاکید کرد: از دو سال پیش تاکنون روابط ایران و روسیه به سردی گراییده و این رفتار نشانه آن است که نگرش جدیدی در سیاست خارجی روسیه در حال شکل‌گیری است و علت این تفاوت را باید در تغییر ساختار سیاسی دولت فعلی جست‌وجو کرد. پوتین و نخبگان طرفدار او که طیف سنتی و سوسیالیسم هستند با توجه به منافع مشترک بین ایران و خود معتقدند که روابط روسیه با ایران باید دوستانه و نزدیک باشد. آنها کوشیده‌اند روابط این دو کشور را با توجه به نیازهای امنیتی مشترک سازماندهی کنند، اما با تغییر ساختار سیاسی دولت روسیه، سیاست خارجی این کشور نیز در رابطه با ایران تغییر کرد و سیاست خارجی روسیه به سمت همکاری با غرب چرخید. تفکر سیاست خارجی روسیه بر این پایه است که روسیه به منظور توسعه اقتصادی و منافع ملی خود نیازمند ایجاد روابط بهتر با دنیای کاپیتالیسم، آمریکا و اتحادیه اروپاست.

سفیر ایران در روسیه در گفت‌وگو با «شرق»:

نباید از روس‌ها انتظار داشت

ادامه از صفحه اول

در ماه‌های اخیر شاهد گرم شدن دوباره روابط ایران و روسیه بعد از یک رکود دو ساله هستیم، رکودی که به هر حال بعضا با تنش یا تحکم مقامات دو کشور علیه یکدیگر روبه‌رو بوده، ابتدا بفرمایید چرا روس‌ها در دو سال گذشته به یک‌باره تصمیم گرفتند از جمهوری اسلامی فاصله بگیرند.

اجازه می‌خواهم ابتدا این نکته را ذکر کنم که هدف من در این گفت‌وگو، این نیست که اشتباهات محاسباتی یا رفتاری روسیه نسبت به ایران را توجیه کنم بلکه مایلم در راستای منافع ملی، قضاوت ما نسبت به روابط با روسیه، واقع‌بینانه شود تا ما ناخودآگاه به دام غرب و اسراییل – که به دنبال تخریب روابط ایران و همسایگان و منزوی کردن جمهوری اسلامی ایران هستند – نیفتیم. اما در پاسخ به سوال شما من فکر می‌کنم دو عامل در اینکه فضای روابط ما دچار رکود شد بسیار موثر بود، عامل اول مساله ری‌ست روابط روسیه و آمریکا بود. در واقع، آن زمان رویکرد روسیه این بود که بتواند مشکلات جدی خود با غرب را با اعتمادسازی حل و فصل کند؛ مسایلی مثل کاهش تسلیحات هسته‌ای، عضویت در W.T.O و مساله سپر دفاع موشکی. این موضوعات برای روسیه کلیدی بود و تصور روس‌ها این بود که اگر رفتار اعتمادسازانه و نرم در مقابل غرب داشته باشند، طرف غربی هم در حل این مسایل به روسیه کمک خواهد کرد. در نتیجه اولویت سیاست خارجی روسیه این بود که بتوانند به یک تفاهمی با غرب برسند تا این سه موضوع مهم را از جلوی پا بردارند. موضوع دیگر هم بحث فعالیت‌های هسته‌ای ما بود که متاسفانه در سایه تبلیغات و گزارشات اطلاعاتی کذب سیا، موساد، اینتلیجنت سرویس و حتی بعضی از کشورهای عربی، این توهم برای روس‌ها به وجود آمده بود که ما به دنبال دستیابی به سلاح هسته‌ای هستیم و در نتیجه چون آنها به نوعی از طریق دریا با ما همسایه هستند احساس ناامنی و نگرانی می‌کردند بنابراین روابط دو کشور تحت تاثیر این دو واقعیت قرار گرفت و دیدیم که همان‌طور که گفته شد بعضا روابط دو کشور دچار تنش هم شد.

از این دست تغییرات آنی روس‌ها در روابط خود با کشورهای مختلف جهان که مورد اشاره قرار گرفت کم نیست که همین امر نیز سبب شد بسیاری در داخل کشور بر این موضوع تاکید کنند که تلاش جمهوری اسلامی برای ایجاد یک اتحاد استراتژیک با روس‌ها تلاشی کم‌اثر است.

من نمی‌دانم شما بر چه اساسی به این نتیجه رسیده‌اید که ایران به دنبال اتحاد استراتژیک با روسیه بوده و سپس این اقدام را تلاشی کم‌اثر تلقی کرده‌اید. از قضا همواره ایران یک موضع مستقل و مقتدر داشته و من بر اظهار شما مبنی بر اینکه ما همواره روسیه را به‌عنوان یک متحد فرض کرده‌ایم شاهدی نمی‌بینم. مثلا در قضیه اشغال افغانستان توسط شوروی، ایران موضع محکمی را علیه اقدام آن کشور گرفت. پس از فروپاشی شوروی هم، موارد متعددی بوده است که دو کشور با هم چالش داشته و ایران موضعی مستقل و خلاف این کشور اتخاذ کرد. درعین حال موضوعاتی که منافع ما و روس‌ها در یک جهت بوده است، به مراتب بیشتر بوده است. مثلا در بحث خاورمیانه، اشغال افغانستان و عراق توسط غرب، مبارزه با مواد مخدر و افراط‌گرایی و تروریسم، عدم حضور پایگاه‌های خارجی در خزر، قفقاز، آسیای میانه و... همه این موضوعات، حوزه‌های حساس امنیتی برای جمهوری اسلامی بوده که می‌بینیم مواضع روس‌ها کاملا منطبق با مواضع ما یا نزدیک به ما بوده است. بنابراین به نظر من این فرض که رویکرد جمهوری اسلامی ایران در رابطه با روس‌ها مبتنی بر ایجاد یک اتحاد استراتژیک است فرض درستی نیست. ما هرجا منافع‌مان ایجاب کرده با این کشور همکاری کردیم، هرجا هم منافع‌مان ایجاب نکرده مواضع مستقلی گرفتیم. اما به دلیل اینکه مواضع مشترک زیادی داشته‌ایم، شاید این‌گونه تلقی شده که ما به دنبال یک اتحاد استراتژیک هستیم. خوانندگان محترم به این امر واقفند که روابط دو کشور در شرایطی به سمت اتحاد استراتژیک پیش می‌رود که یک پیمان بسته شود وگرنه اگر دو کشور با هم یک پیمان راهبردی نداشته باشند طبعا در مراودات‌شان می‌بینند چه چیزی منافع‌شان را تامین می‌کند، چون روابط بین‌الملل کشورهای غیرایدئولوژیک، مبتنی بر منافع ملی است. ما نیز در شرایطی که ایدئولوژی یا منفعت‌مان ایجاب کند با آنها همراهی خواهیم داشت و در جاهایی هم که ایجاب نکرده مواضع خاص خود را داشته‌ایم. در شرایط کنونی نمی‌توان از روس‌ها این انتظار را داشت که در موضوعات مختلف براساس منافع ما و خلاف منافع‌شان عمل کنند. البته ناگفته نماند که اعتقاد من این است که رسیدن به یک توافق استراتژیک با روسیه، به نفع هر دو کشور و به نفع منطقه است و امیدوارم که به این سمت برویم.

اشاره کردید که نباید انتظار داشت که روس‌ها خلاف منافع‌شان عمل کنند، آیا تاخیر مکرر و بدقولی‌های روس‌ها در راه‌اندازی نیروگاه بوشهر هم مبتنی بر منافع ملی کشورشان بود؟

از قضا تاخیر طولانی در راه‌اندازی نیروگاه بوشهر، نه به نفع اقتصادی روس‌ها بود و نه به نفع حیثیت فنی روس‌ها. بعد از حادثه چرنوبیل و فروپاشی شوروی، روس‌ها نیاز داشتند تا صلاحیت فنی خود را در ساخت نیروگاه، به جهانیان ثابت کنند و بتوانند بازارهای جدید بیابند. ارزیابی‌های کارشناسی حاکی از این است که تاخیر در راه‌اندازی نیروگاه عمدتا ناشی از عوامل زیر بود: ۱- وقتی روس‌ها قرارداد را امضا کردند براساس زمان‌بندی ساخت نیروگاه‌های متعارف خود، تعهد دادند. اما از آنجا که ما نمی‌خواستیم سرمایه‌گذاری انجام شده در بوشهر، بلا استفاده بماند، از آنها خواستیم که در همان سایت آلمان‌ها این پروژه را انجام دهند. خواندن طراحی روس‌ها به طراحی آلمان‌ها و اعمال تغییرات در تاسیسات، یک‌سال و نیم، پروژه را به تعویق انداخت. ۲- مشکلات بروکراتیک در دو طرف، مانع از انجام به موقع پرداخت‌ها می‌شد و عدم پرداخت‌ها، موجب توقف مقطعی پروژه و سپس بالارفتن هزینه‌های پروژه می‌شد. ۳- و نهایتا مهم‌ترین عامل تاخیر، تحریم‌های غرب بود. مثلا توربین نیروگاه، باید در کارخانه شهر خارکوف اوکراین ساخته می‌شد اما این کشور زیر فشار آمریکایی‌ها از این اقدام سرباز زد و روس‌ها ناچار شدند با انتقال ساخت توربین به شهر سن‌پترزبورگ، براساس طراحی جدید، توربین مورد نیاز نیروگاه بوشهر را بسازند. ساخت توربین در سایت جدید در روسیه، بیش از یک‌سال، پروژه را به عقب انداخت. تامین بسیاری از سیستم‌های مورد نیاز نیروگاه که طبق قرارداد باید از غرب تامین می‌شد مثل دستگاه‌های کنترل الکترونیکی، سیستم‌های خنک‌کننده و... موجب تعویق مکرر پروژه می‌شد.

به هرحال شواهد و قراین نیز می‌توانند به ملاک قضاوت تبدیل شود. در موضوع نیروگاه هسته‌ای بوشهر شاهد بودیم در دورانی که روابط تهران – مسکو سرد و شکننده شده بود عملا این نیروگاه به برگ بازی برای بهبود روابط روسیه با غرب تبدیل شد، موضوعی که روس‌ها هم هیچ‌گاه آن را پنهان نکردند. بر این اساس با وجود چنین رویکردی چطور می‌شود به روس‌ها اعتماد کرد؟

باتوجه به عللی که در تاخیر راه‌اندازی نیروگاه عرض کردم، اینکه از تاخیر در راه‌اندازی نیروگاه بوشهر نتیجه بگیریم که روسیه شریک مطمئنی نیست، به نظرم قدری غیرواقع‌بینانه است. به نظر شما، چرا همان افرادی که سعی می‌کنند روسیه را شریک غیرمطمئنی جلوه دهند، آلمان‌ها را که بعد از انقلاب اسلامی، بدون هیچ دلیلی، نیروگاه را نیمه تمام گذاشته و میلیاردها مارک هزینه به کشور ما تحمیل کردند، شریک نامطمئن نمی‌نامند؟ در حالی که آن زمان نه علیه جمهوری اسلامی قطعنامه‌ای صادر شده بود، نه اصلا مشکل خاصی با اروپا به وجود آمده بود و روس‌ها، به‌رغم وجود چهار قطعنامه‌ای که غرب برای ما دست و پا کرده بود، پروژه را تمام کردند. یا فرانسوی‌ها را که به‌رغم تعهدشان، به ما قطعات یدکی هواپیما نمی‌دهند و جان مردم عزیزمان را به خطر می‌اندازند، شریک نامطمئن خطاب نمی‌کنند یا انگلیسی‌ها و کانادایی‌ها که از تحویل دارو به بیماران خاص امتناع کرده و مرتکب اقدامی غیرانسانی می‌شوند را زیر سوال نمی‌برند؟

بحث نیروگاه بوشهر به نظر من برخلاف آنچه که گفته می‌شود گواهی بر این است که می‌شود با روس‌ها کار کرد، نمی‌گویم که اعتماد دایمی و بی‌قید و شرط کنیم ولی بحث این است که می‌شود با روس‌ها کارهای بزرگ اقتصادی با وزن سیاسی کرد. شما می‌دانید که زمان شاه نیز، غرب حاضر نشد برای ایران ذوب‌آهن بسازد و شوروی‌ها در آن موقع وارد کار شدند و ذوب‌آهن را ساختند. در دوران پس از انقلاب اسلامی هیچ کشوری حاضر نشد که نیروگاه بوشهر را بسازد و فقط روس‌ها پای کار آمدند. در نتیجه می‌بینیم که نه تنها غرب اجازه نداد که این نیروگاه توسط آلمان ساخته شود بلکه بعدها هم در مسیر راه‌اندازی آن پیش پای روسیه سنگ‌اندازی بسیاری کردند. خلاصه آنکه من معتقدم این سیاست غرب است که تلاش می‌کند روسیه را شریک نامطمئن جلوه دهد تا ما به دست خود، منافعی که از همکاری با روس‌ها می‌توانیم به دست آوریم را رها کنیم.

یعنی شما معتقدید که جمهوری اسلامی ایران در قراردادی که با روسیه برای احداث نیروگاه بوشهر داشت متضرر نشد و همین امر هم امروز منجر به بروز یک نگاه راهبردی در روابط دو کشور شده است.

بله، همین‌طور است. من معتقدم در کلیه همکاری‌های اقتصادی ما با روسیه، ما منافع زیادی داشته‌ایم. در همکاری‌های هسته‌ای و تسلیحاتی نیز، ما علاوه بر منفعت اقتصادی، منفعت سیاسی / امنیتی هم کسب کرده‌ایم. در مورد وجود نگاه راهبردی، باید عرض کنم که اگرچه زمینه‌های همکاری راهبردی بین دو کشور وجود دارد، اما همکاری راهبردی مستلزم عقد پیمان راهبردی است، که متأسفانه ما در حال حاضر چنین پیمانی را نداریم. چون چنین قراردادی نیست. بالطبع دو کشور در موضوعات مختلف، منافع خود را مدنظر قرار می‌دهند. مثلا وقتی که در روابط روسیه با گرجستان منازعاتی بروز پیدا کرد و روسیه گاز خود را به روی گرجستان بست، از دید روس‌ها، بدترین رفتار این بود که یک کشور، فشار را از روی گرجستان بردارد و به او گاز دهد، که ما به دلیل مسایل انسانی، این کار را کردیم یا در اجلاس اوپک گازی، با رأی وزیر نفت وقت ایران، دبیرخانه اجلاس، به جای استقرار در روسیه، به قطر منتقل شد و این برای روسیه که بزرگ‌ترین تولیدکننده گاز دنیاست، یک شوک بود. در چنین شرایطی آیا روسیه نمی‌تواند بگوید شما نامردی کردید و شریک نامطمئنی هستید؟ از این اتفاقات در روابط ایران و روسیه زیاد افتاده است.

همکاری براساس مشترکات یک بحث است ولی احساس نیاز و اتکا یک بحث دیگر. چرا با این وجود جمهوری اسلامی ایران همچنان روی این کشور یا کشور دیگری مثل چین سرمایه‌گذاری می‌کند؟

اولا من معتقد نیستم که ما در سیاست خارجی خود، به کشوری متکی هستیم. بسط روابط سیاسی بر اساس منافع دو طرف، عین سیاستمداری است نه اتکا. در موضوع صدور قطعنامه‌ها هم، اگر ما خودمان را جای روسیه بگذاریم احتمالا ما هم همین کار را می‌کردیم، روس‌ها هیچ‌وقت به ما نگفتند که ما در بحث هسته‌ای طرفدار شما هستیم یا این‌طور نبوده که در ابتدا گفته باشند که به قطعنامه رای نمی‌دهیم و بعد رای دادند. شما کجا یک چنین چیزی را دیده‌اید؟

معمولا در تمام قطعنامه‌ها روس‌ها ابتدا با صدور و اعمال آن مخالفت کردند؟

آنچه که روس‌ها با آن مخالف بوده‌اند تندروی غربی‌ها در محتوای قطعنامه بوده، نه خود قطعنامه. روسیه در قطعنامه سوم و چهارم تلاش کرد که زهر قطعنامه‌ها را بگیرد و آن رویکردی را که غرب داشت تعدیل کند و مانع از نظامی شدن قطعنامه شد. این در حالی است که روس‌ها همیشه به صراحت گفته‌اند که ما از هسته‌ای شدن شما و دستیابی‌تان به تکنولوژی غنی‌سازی نگرانیم و مسلح شدن ایران به سلاح هسته‌ای را یک خطر امنیتی دانسته‌اند. به هر حال این یک واقعیت است که هر کشوری چنانچه در کنار خودش یک همسایه اتمی داشته باشد احساس خطر می‌کند. این اصلی پذیرفته شده در توازن قوا، در صحنه بین‌المللی است. در نتیجه آنها به دنبال مهار دستیابی ما به توان هسته‌ای بوده‌اند و ابزاری هم که تاکنون در اختیار داشته‌اند همین ساختارهای بین‌المللی بوده است. می‌خواهم عرض کنم رفتار آنها در حمایت از قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران، از دید منافع‌شان غیرمنطقی نبوده است. البته ما مستمرا تلاش کرده‌ایم و بارها به آنها گفته‌ایم که شما فریب اطلاعات غلط و فضاسازی غربی‌ها را خورده‌اید و به این دلیل نیز به این تصور اشتباه رسیده‌اید که ایران در فعالیت هسته‌ای‌اش به دنبال اهداف نظامی است و با گسترش رایزنی‌ها توانستیم به آنها ثابت کنیم که رویکرد غرب به پرونده هسته‌ای ما، سیاسی است. برهمین اساس نیز اخیرا آقایان پوتین، مدودف و لاوروف صریحا اعلام کرده‌اند که اقدامات غرب علیه ایران، با هدف ضربه زدن به ایران است و به حرف ما رسیده‌اند که غرب، هدفش کنترل و مهار هسته‌ای نبوده، بلکه براندازی نظام ماست.

همکاری‌های ایران و روسیه خیلی تنگاتنگ بوده است. چرا پیش از این تلاش نشده بود که برای روس‌ها روشنگری شود که اهداف جمهوری اسلامی در حوزه هسته‌ای صلح‌آمیز است؟

با احترام تمام باید عرض کنم که شما مکررا چیزهایی را فرض می‌گیرید که واقعیت بیرونی ندارد. اینکه رابطه ما تنگاتنگ بوده، صحت ندارد. همان‌طور که در سوال اول گفته شد در طول دو، سه سال گذشته، روابط ما دچار رکود بوده. تقریبا وزرای خارجه دو کشور، بیش از دو سال، مسافرت به کشور مقابل نداشتند. طبعا به چنین روابطی نمی‌توان گفت روابط تنگاتنگ. در عین حال، ما در رده‌های میانی مرتبا تماس داشته و استدلال‌های خود را بیان می‌کردیم ولی فضاسازی‌های طرف مقابل، چه در قالب آژانس و چه در قالب رسانه‌های جهانی و چه در چارچوب مذاکرات دو و چند جانبه، آنقدر سنگین بود که خلاف آن به مخیله روس‌ها خطور نمی‌کرد.

ادامه در صفحه ۱۵

عکس: امیر جدیدی، شرق

الو شرق ۸۸۶۵۴۳۹۰

■ **مسوولان، جوانان را دریابند:** قصه پرغصه و تکراری برای جوانان تا به حال زیاد نوشته شده اما آیا تا به حال به این موضوع رسیدگی شده و توسط مسوولان برای جوانان کاری انجام شده است؟ جوانان به تفریحات سالم، ورزش، سینما، استخر و دوستان خوب نیاز دارند. بیکاری جوانان، بی‌پولی آنها و مشکلات فراوانی که وجود دارد، باعث شده برخی جوانان به سیگار و مواد مخدر و تفریحات ناسالم دیگری روی آورند. امیدواریم این موضوع مورد توجه جدی مسوولان قرار گیرد.

علی

■ **در جست‌وجوی دلار:** بنده هشتم بهمن با تمام صرافی‌هایی که تحت نظر بانک مرکزی هستند، تماس گرفتم و همه گفتند که دلار نداریم. ما که فرزندان‌مان در خارج از کشور درس می‌خوانند چه کار باید کنیم؟

یک شهروند

■ **نظارت بر پخت نانوایی منطقه ۱۸:** از مسوولان اتحادیه نانوایان تقاضا داریم که نظارتی بر پخت نان‌های منطقه ۱۸ واقع در خیابان تختی، مرادخوانی بکنند. این نان‌ها کیفیت مناسبی ندارد و اصلا قابل خوردن نیست.

سپهر از تهران

■ **به مشکلات شهرستان‌های کوچک هم رسیدگی کنید:** چرا شما فقط به مشکلات تهران می‌پردازید و یک خبرنگار به شهرستان تفرش نمی‌فرستید که مشاهده کنید در شهرستان‌های کوچک چه اتفاقی می‌افتد؛ در یک بیمارستانی که حدود ۱۵ هزار نفر جمعیت دارد، یک پزشک متخصص وجود ندارد.

یک شهروند

■ **اطلاع‌رسانی در مورد بیماری زونا:** خواهشمندم در قسمت پزشکی مطالبی در مورد بیماری زونا و داروهایی که برای این بیماری مصرف می‌شود، بنویسید و مطلب دیگر اینکه چرا قیمت گندم ۴۰۰ تومانی به ۷۰۰ تومان رسیده؟

یک شهروند

بازتاب

■ **پاسخ روابط‌عمومی شرکت آب و فاضلاب استان تهران به یک پیام:** بازگشت به درج مطلبی در آن روزنامه در ستون «الو شرق» در تاریخ ۹۰/۱۰/۲۲ با عنوان «چرا آب و فاضلاب پاسخ قانع‌کننده‌ای نمی‌دهد؟» لازم می‌داند به استحضار برساند، از تاریخ ۹۰/۹/۱۶ به مدت یک هفته محدوده خیابان‌های میرداماد و ظفر و کوچه‌های فرعی به دلیل جابه‌جایی خطوط انتقال و انجام عملیات تعمیرات، با مشکل افت فشار شدید آب و در پی آن گرفتگی انشعاب‌ها و کنتورهای آب مشترکان مواجه شده بود که با اتمام آن عملیات و انجام اقدامات لازم، در حال حاضر تمام مشکلات برطرف شده است.